

آبان یشت

آبان یشت

خشنودی آبِ بی-آلایشِ آشَوَنِ «آردوی» و همه-ی گیاهان مزدا آفریده را.

[راسپی ] :

«ینه اهوویریو...» که زوت مرا بگوید.

[زوت ] :

«آارتوش آشات چیت هچا...» که پارسا مرد دانا بگوید.

کرده-ی یکم

1

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،

دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!

اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.

اوست آشَوَنی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.

[اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

2

اوست که تخمه-ی همه-ی مردان را پاک کند و زهدان همه-ی زنان را برای

زایش، [ از آلایش ] بیالاید.

اوست که زایمان همه-ی زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی

که بایسته است، شیر [ در پستان ] آورد.

3

اوست برومندی که در همه-جا بلند آوازه است.

اوست که در بسیار فره-مندی، همچند همه-ی آب-های روی زمین است.

اوست زورمندی که از کوه «هگر» به دریای «فراخ کرت» ریزد.

4

بدان هنگام که آردویسور آناهیتا - آن دارنده-ی هزار دریاچه و هزار رود، هریک

به درازای چهل روز راه مردی چابک سوار - به سوی دریای فراخ کرت روان

شود، سراسر کرانه-های آن دریا به جوش درافتد و میانه-ی آن برآید.

5

از این آبی که از آن من است، به هریک از هفت کشور، رودی روان شود؛ [ رودی ] از آبی که از آن من است و در زمستان و تابستان یکسان روان است. او (1) برای برای من، آب را و تخمه-ی مردان را و زهدان و شیر زنان را پاک کند.

6

من - آهوره-مзда - او را به نیروی خویش، هستی بخشیدم تا خانه و روستا و شهر و کشور را بپرورم و پشتیبان و پناه بخش و نگاهبان باشم.

7

ای زرتشت!  
آردویسورَ آناهیتا از سوی آفریدگار مزدا برمی-خیزد. بازوان زیبا و سپیدش - که به زیورهای با شکوه و دیدنی آراسته است - به ستبریِ کتفِ اسبی است.  
آن نازنینِ بسیار نیرومند روان می-شود در نهاد خویش چنین می-اندیشد.

8

-کدامین کس مرا نیایش کند ؟  
-کیست که مرا زور آمیخته با هوم، آمیخته به شیر به آیین ساخته و پالوده نیاز کند ؟  
چنین پیمان شناس نیک دلی را خوشی پسندم و خواستار [ که او ] خرم و شادمان [ ماند! ]

9

او را - آن آردویسورَ آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز[ی به بانگ\_] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسورَ آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منّره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی دوم

10

آهوره-مزدا به سپتیمان زرتشت گفت:  
ای سپتیمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

11

اوست که بر گردونه نشسته، لگام بر دست، گردونه می-راند و روان جویای  
ناموری-اش، این چنین در نهاد خویش اندیشه کنان است:  
-کدامین کی مرا نیایش کند؟  
-کیست که مرا زور آمیخته با هوم، آمیخته به شیر به آیین ساخته و پالوده  
نیاز کند؟  
چنین پیمان شناس نیک دلی را خوشی پسندم و خواستار [ که او ] خرم و  
شادمان [ ماند! ]  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی سوم

12

آهوره-مزدا به سپتیمان زرتشت گفت:  
ای سپتیمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منّره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

13

اوست که با چهار اسب بزرگ سپید - یک رنگ و یک نژاد - بر دشمنی همه-ی دشمنان - دیوان و مردمان [ دروند ] و جادوان و پریان و «گوی»ها و «کَرپ»های ستمکار - چیره شود.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منّره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی چهارم

14

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

15

اوست آن زورمند درخشان بلند بالای برزمندی که روزان و شبان - در بزرگی همچند همه-ی آب-های روی زمین - به نیرومندی روان شود.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی پنجم

16

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

17

او را بستود آفریدگار - آهوره-مزدا - در ایران-ویج در کرانه-ی [ رود ] «دابتیا»ی نیک با هوم آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره» با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا...

18

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من پسر «پروشسپ» - زرتشت آشون - را بر آن دارم که هماره دینی بیندیشد، دینی سخن گوید و دینی رفتار کند.

19

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی ششم

20

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

21

هوشنگ پیشدادی در پای [ کوه ] البرز، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند، او را پیشکش آورد...

22

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همه-ی کشور شوم؛ که بر همه-ی دیوان و مردمان [ دروند ] و جادوان و پریان و «گوی»ها و «گرب»های ستمکار چیرگی یابم؛ که دوسوم از دیوان مزندری و دروندان ورن را بر زمین افکنم.

23

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی هفتم

24

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.

[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

25

جمشید خوب رمه در پای کوه هگر، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند  
او را پیشکش آورد...

26

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همه-ی کشورها شوم؛  
که بر همه-ی دیوان و مردمان [ دروند ] و جادوان و پریان و «گوی»ها و  
«کرب»های ستمکار چیرگی یابم؛ که من دیوان را از دارایی و سود - هر دو -  
و از فراوانی و رمه - هر دو - و از خشنودی و سرافرازی - هر دو - بی بهره  
کنم.

27

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی هشتم

28

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

29

«آژی-دهاک» سه پوزه در زمین «بوری» صد اسب و هزار گاو و ده هزار  
گوسفند او را پیشکش آورد...

30

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من هفت کشور را از مردمان تهی کنم.

31

آردویسور آناهیتا او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.

«ینگه هاتم»...

کرده-ی نهم

32

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،

دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!

اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.

اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.

[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]

بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.

ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با

زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن

رسا.

«ینگه هاتم»...

33

فریدون پسر آتیین از خاندان توانا، در سرزمین چهار گوشه-ی ورن، صد اسب

و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

34

و از وی خواستار شد:

ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!

مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر «آژی-دهاک» - [ آژی-دهاک ] سه

پوزه-ی سه کله-ی شش چشم، آن دارنده-ی هزار [ گونه ] چالاک، آن دیو

بسیار آرزومند دروج، آن دروند آسپ رسان جهان و آن زورمندترین دروجی

که آهریمن برای تباه کردن جهان آشه، به پتیارگی در جهان آستومند بیافرید

- پیروز شوم و هر دو همسرش «سنگهوک» و «آرنوک» را - که برازنده-ی

نگاهداری خاندان و شایسته-ی زایش و افزایش دودمانند - از وی یربایم.

35

آردویسورِ آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسورِ آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسورِ آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی دهم

36

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسورِ آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسورِ آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسورِ آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

37

گرشاسپِ تَریمان، در کرانه-ی دریاچه-ی «پینشنگه»، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

38

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر «گندرو»ی زرین پاشنه، در کرانه-ی  
دریای پر خیزاب فراخ کرت پیروز شوم؛ که من در این زمین پهناور گوی-سان  
درو کرانه، تاخت کنان به خانه-ی استوار دروند برسم.

39

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی یازدهم

40

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

41

افراسیاب تورانی تباہکار، در «هَنگ» زیرزمینی خویش، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

42

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من به آن فر شناور در دریای فراخ کرت - [ فری  
[ که هم اکنون و از این پس، از آن تیره‌های ایرانی و زرتشت اشون است -  
دست یابم.

43

آردویسور آناهیتا او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی دوازدهم

44

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

45

کاووس توانا در پای کوه «ارزیغیه»، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

46

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همه-ی کشورها شوم؛  
که بر همه-ی دیوان و مردمان [ دروند ] و جادوان و پریان و «گوی»ها و  
«گرب»های ستمکار چیرگی یابم.

47

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی سیزدهم

48

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

49

[کی] خسرو پهلوان سرزمین-های ایرانی و استوار دارنده-ی کشور، در کرانه-ی دریاچه-ی ژرف و پهناور «چیچست»، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

50

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همه-ی کشورها شوم؛  
که بر همه-ی دیوان و مردمان [ دروند ] و جادوان و پریان و «گوی»ها و «کَرپ»های ستمکار چیرگی یابم؛ که من در درازنای راه تاخت و تاز، همیشه در تکاپو پیش از همه-ی گردونه-ها برانم؛ که من و رزم--آورانم - هنگامی که دشمن تبهکار بدخواه، سواره به رزم ما شتابد - به دام او نیفتیم.

51

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

## کرده-ی چهاردهم

52

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

53

توس پهلوان جنگاور، بر پشت اسب او را بستود و خواهان نیرومندی اسبان  
خود و تندرستی خویش شد تا بتواند دشمنان را از دور بنگرد و هموردان  
کینه-ور را به یک زخم، از پای درافکند.

54

[توس ] از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر پسران دلیر خاندان «ویسیه» در گذرگاه  
«خشثروسوک» در فراز «گنگ» بلند و اشون، پیروز شوم؛ که من  
سرزمین-های تورانی را براندازم: پنجاه-ها صدها، صدها هزارها، هزارها ده  
هزارها، ده هزارها صد هزارها.

55

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.

ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی پانزدهم

56

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ ی به بانگ ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

57

پسران دلیر خاندان «ویسه» در گذرگاه «خشثروسوک» در فراز «کنگ» بلند  
و اشون، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آوردند...

58

و از وی خواستار شدند:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
ما را این کامیابی ارزانی دار که ما بر توس، پهلوان جنگاور پیروز شویم؛ که ما  
سرزمین-ها ایرانی را براندازیم: پنجاه-ها صدها، صدها هزارها، هزارها ده  
هزارها، ده هزارها صد هزارها.

59

آردویسور آناهیتا آنان را کامیابی نبخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی شانزدهم

60

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

61

«پا اورو» کشتیران کاردان - هنگامی که فریدون، پهلوان پیرومند، او را همچون کرکسی در هوا به پرواز وا داشت - آردویسور آناهیتا ستود...

62

...او سه شبانه روز پیاپی به سوی خانه-ی خویش در پرواز بود و نمی-توانست در آن فرود آید.

چون سومین شب پرواز او به سپیده دمان رسید، هنگام بامداد روشن و توانا،  
به سوی آردویسور آناهیتا بانگ برداشت:

63

ای آردویسور آناهیتا!  
زود به یاری بشتاب!  
اینک مرا پناه بخش که اگر به زمین آهوره- آفریده و به خانه-ی خویش رسم  
هرآینه تو را در کرانه-ی آب «رنگها» هزار زور به آیین ساخته و پالوده، آمیخته  
به هوم و آمیخته به شیر، نیاز آورم.

64

آنگاه آردویسور آناهیتا به پیکر دوشیزه-ای زیبا، برومند، بُرزمند، کمر بر میان  
بسته، راست بالا، آزاده، نژاده، بزرگوار، موزه-هایی درخشان تا مچ پا پوشیده  
و به استواری با بندهای زرین بسته، روانه شد.

65

بازوانش را چالاکی بگرفت و دیری نپایید به یک تاخت، او را تندست و  
بی-هیچ ناخوشی و گزندی - همان-گونه که از آن پیش-تر بود - به زمین  
آهوره آفریده فرود آورد و به خانمانش رساند.

66

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی هفدهم

67

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،

دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

68

جاماسپ هنگامی که از دور سپاه دُرَوندان دیو پرست را دید که با آرایش رزم  
به پیش می-آید، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش  
آورد...

69

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من همچند همه-ی دیگر ایرانیان از پیروزی  
بزرگ بهره-مند شوم.

70

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی هیجدهم

71

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

72

«آشوزدنگه» پسر «پوروذاختی» و «آشوزدنگه» پسر «سایوژدری» نزد  
ایزد بزرگ و شهریار شیدور آپام نپات تیز اسب، آردویسور آناهیتا را صد اسب  
و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آوردند...

73

و از وی خواستار شدند:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
ما را این کامیابی ارزانی دار که ما در کارزار جهان بر تورانیان «دانو» و بر «گر»  
و «ور» از خاندان «آس بن» و بر «دوراکت» چیره شویم.

74

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی نوزدهم

75

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

76

«ویستورو» از خاندان نوذر، بر کرانه-ی آب «ویتنگوهیتی» این-چنین گفتار راست بر زبان، او را پیشکش آورد:

77

ای آردویسور آناهیتا!  
این سخن به [ آیین ] اشه و بدرستی گفته می-شود که من به شماره-ی موهای سرم دیو پرستان را بر خاک افکنده-ام. پس تو - ای آردویسور آناهیتا! - مرا گذرگاهی خشک از یک کرانه به دیگر کرانه-ی «ویتنگوهیتی» پدید آور.

78

آنگاه آردویسور آناهیتا به پیکر دوشیزه-ای زیبا، برومند، برزند، کمر بر میان بسته، راست بالا، آزاده، نژاده، بزرگوار، موزه-هایی زرین در پا و به زیورهای بسیار آراسته، روانه شد.

یک رشته از آب را از رفتن بازداشت و دیگر رشته‌ها را بدانسان که بود، رفتن رها کرد و گذرگاهی خشک از یک کرانه به دیگر کرانه‌ی «ویتنگوهیتی»ی نیک پدید آورد.

79

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیستم

80

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

81

«یوایشت» از خاندان «فریان» در آبخواست خیزاب شکن «رنگها»، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

82

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر «آختیه»ی نیرنگ-باز خیره-سر چیره  
شوم؛ که من به پرسش-ها او - نود و نه پرسش دشواری که «آختیه»ی  
نیرنگ-باز خیره-سر، به دشمنی از من می-کند - پاسخ توانم گفت.

83

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-ویکم

84

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] [ اشونی که افزاینده-ی گیتی است].  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فرّ و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

85

آهوره-مزدای نیک کُنش فرمان داد:  
ای آردویسور آناهیتا!  
از فراز ستارگان به سوی زمین آهوره-آفریده بشتاب!  
به پایین روانه شو و دیگر باره بدین-جا باز آی!  
فرمانروایان دلیر و بزرگان و بزرگ-زادگان کشور باید ترا نیایش کنند.

86

ارتشتاران - آن دلیران - برای دست-یابی بر اسبانِ تکاور و برتری جویی در  
«فر»، باید از تو یاری خواهند.  
آثروبانات پاسا - آن پرورشگران روان - برای دست-یابی بر دانش و ورجاوندی و  
پیروزی و برتری آهوره آفریده، باید از تو یاری خواهند.

87

از تو باید دوشیزگان کوشا و شایسته-ی شوهر، سرور و خانه خدایی دلیر  
خواهند.  
از تو باید زنان جوان - به هنگام زایمان - زایشی خوب خواهند.  
تویی - تو ای آردویسور آناهیتا! - که این همه را به جای توانی آورد.

88

ای زرتشت!  
آردویسور آناهیتا از فراز ستارگان، به سوی زمین آهوره آفریده فرود آمد و  
این-چنین گفت:

89

ای سپیتمان آشون!  
براستی آهوره-مзда تو را به رَدی جهان آستومند برگزید و مرا به نگاهبانی  
همه-ی آفرینش اَشَه برگماشت.  
از فروغ و فر من است که ستوران خرد و بزرگ و مردمان در این زمین در  
گردش-اند.  
براستی من همه-ی مزدا آفریدگان نیک و آشون را نگاهداری می-کنم، چنان  
که آغلی چارپایان را در خود نگاه می-دارد.

90

زرتشت از آردویسور آناهیتا پرسید:  
ای آردویسور آناهیتا!

ای آن-که مزدا ترا راهی از فراز خورشید - و نه راهی از فرود آن - آماده کرد  
تا مارها، «آرثن»ها، «ووزک»ها، و «ورتوویش»ها، ترا گزندی نرسانند، با  
کدامین ستایش تو را بستایم ؟  
با کدامین ستایش آیین ترا برگذارم ؟

91

آنگاه آردویسور آناهیتا گفت:

ای سپیتمان آشون!

براستی مرا با این ستایش بستای. با این ستایش، آیین مرا برگذار:  
از هنگام پرآمدن خورشید تا به گاه فرو رفتن خورشید، از این زور من تو توانی  
نوشید و اتربانان دین آگاه و خردمندان آزموده و تن منتره.

92

از این زور من «هرت»، تب دار، نارساتن، «سچی»، «گسویش»، زن (2)، [ نا  
[ پارسایی که «گاهان» نمی-سراید و پیس جدا کرده تن (3) نباید بنوشد.

93

من بدان آیین زوری که کور و کر و کوتاه بالا و نابخرَد و «آر» و غشی و دیگر  
داغ خوردگان اهریمن برگذارند، پای نمی-گذارم.  
از این زور من، گوژسینه، گوژپشت، کوتاه تن، و تباه دندان، نباید بنوشد.(4)

94

زرتشت از آردویسور آناهیتا پرسید:

ای آردویسور آناهیتا!

آن زورهای ترا چه خواهد شد اگر دیو پرستان و دُرَوندان، آن-ها را پس از فرو  
رفتن خورشید، برای تو نیاز کنند ؟

95

آنگاه آردویسور آناهیتا گفت:

ای سپیتمان زرتشت آشون!

آیین زوری که من بدان پای نگذارم، شایسته-ی ستایش دیوان است.  
در چنین آیینی به جای من، هزار و ششصد تن از هراس انگیزان و یاوه  
سرایان و هرزه-درایان و فرومایگان پای نهند.

96

من کوه زرین در همه-جا ستوده-ی هُکر را می-ستایم که آردویسور آناهیتا  
از آن، از بلندای هزار بالای آدمی برای من فرود آید.

اوست که در بسیار فرّه-مندی، همچند همه-ی آب-های روی زمین است و به نیرومندی روان شود.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-ودوم

97

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

98

اوست که مزداپرستان، برسم به دست به گرداگرد وی درآیند.  
او را «هوو»ها ستودند.  
او را «نوذریان» ستودند.  
«هوو»ها از او دارایی خواستند و نوذریان، اسبان تکاور.  
دیری نباید که «هوو»ها به دارایی فراوان توانگر شدند.  
دیری نباید که نوذریان کامروا شدند و گشتاسپ در این سرزمین-ها بر اسبان تیزتک دست یافت.

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وسوم

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

اوست دارنده-ی هزار دریاچه و هزار رود، هریک به درازای چهل روز راه-مرد چابک سوار.  
در کرانه-ی هریک از این دریاچه-ها، خانه-ای خوش ساخت با یکصد پنجره-ی درخشان و یک-هزار ستون خوش-تراش برپاست : خانه-ای کلان-پیکر که بر هزار پایه جای دارد.

102

در هریک از این خانه-ها، بستری زیبا با بالش-هایی خوش-بو بر تختی گسترده است.  
ای زرتشت!  
در چنین جایی آردویسور آناهیتا از بلندای هزار بالای آدمی فرو می-ریزد.  
اوست که در بزرگی، همچند همه-ی آب-های روی زمین است و به نیرومندی روان شود.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وچهارم

103

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

104

او را بستود زرتشتِ اَشَوَن، در ایران ویج بر کرانه-ی [رود] «دایتیا»ی نیک با هوم با آمیخته به شیر، با برسَم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا...

105

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسورِ آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من «کی گشتاسپ» دلیر پسر «لهراسپ» را برآن دارم که همواره دینی بیندیشد، دینی سخن گوید و دینی رفتار کند.

106

آردویسورِ آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسورِ آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسورِ آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسَم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وپنجم

107

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسورِ آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان استومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست اَشَوَنی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسورِ آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسورِ آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

108

کی گشتاسپ گرانمایه بر کرانه-ی آب «فرزدانو»، صد اسب و هزار گاو و ده  
هزار گوسفند او را پیشکش آورد...

109

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من در کارزار جهان، بر «تثریاونت» دژدین و  
«پشن»-ی دیو پرست و «آرجاسپ» دروند پیروز شوم.

110

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش  
آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وششم

111

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،  
دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[ اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

112

«زرب» رزم-کنان بر پشت اسب بر کرانه-ی آب «دایتیا»، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند، او را پیشکش آورد...

113

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من در کارزار جهان، بر «هوم یک»-ی دیو پرست گشوده چنگال - که در هشت خانه به سر می-برد - و بر آرجاسپ دروند پیروز شوم.

114

آردویسور آناهیتا - که همیشه خواستار زور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - آنان را کامیابی بخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وهفتم

115

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:  
ای سپتمان زرتشت!  
«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،

دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!  
اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.  
اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.  
[اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ما را] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

116

«وَندرمینیش» - بردار آرجاسپ - نزدیک دریاچه-ی فراخ کرت، صد اسب و  
هزار گاو و ده هزار گوسفند، او را پیشکش آورد...

117

و از وی خواستار شد:  
ای آردویسور آناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!  
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر کی گشتاسپ دلیر و بر زریر - سوار  
جنگاور - پیروز شوم؛ که من سرزمین-های ایرانی را براندازم: پنجاه-ها  
صدها، صدها هزارها، هزارها ده هزارها، ده هزارها صد هزارها.

118

آردویسور آناهیتا او را کامیابی نبخشید.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]  
بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ما را] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با  
زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زور و با سخن  
رسا.  
«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-وهشتم

119

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای! اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است. اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد. [اوست ] اشونی که افزاینده-ی گیتی است. او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم. ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.

«ینگه هاتم»...

120

آهوره-مزدا او را چهار اسب از باد و باران و ابر و تگرگ پدید آورد.

ای زرتشت سپتمان!

همیشه برای من از این چهار اسب، باران و برف و ژاله و تگرگ فرومی-بارد به کسی که هزار و نهصد تیر بخشیده شده است. (5)

121

و از وی خواستار شد:

ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!

مرا این کامیابی ارزانی دار که من همچند همه-ی دیگر ایرانیان از پیروزی بزرگ بهره-مند شوم.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم. ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.

«ینگه هاتم»...

کرده-ی بیست-ونهم

122

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش،

دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای!

اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است.

اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد.

[اوست] اشونی که افزایش-ی گیتی است.

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]

بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.

ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با

زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن

رسا.

«ینگه هاتم»...

123

آردویسور آناهیتای نیک-پنام زین دربر کرده، در آرزوی شنیدن سرود

«زوت» در آن-جا ایستاده، این-چنین در نهاد خویش اندیشه کنان است:

124

-کدامین کس مرا نیایش کند؟

-کیست که مرا زور آمیخته با هوم، آمیخته به شیر به آیین ساخته و پالوده

نیاز کند؟

چنین پیمان شناس نیک دلی را خوشی پسندم و خواستار [ که او ] خرم و

شادمان [ ماندا ]

او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ]

بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.

ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با

زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن

رسا.

«ینگه هاتم»...

کرده-ی سی-ام

125

آهوره-مزدا به سپتمان زرتشت گفت:

ای سپتمان زرتشت!

«آردویسور آناهیتا» را - که در همه-جا [ دامان ] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای! اوست که در جهان آستومند، برازنده-ی ستایش و سزاوار نیایش است. اوست آشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد. [اوست] اشونی که افزاینده-ی گیتی است. او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم. ای آردویسور آناهیتا!

بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!

اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منثره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.

«ینگه هاتم»...

126

آردویسور آناهیتا هماره به پیکر دوشیزه-ای جوان، زیبا، برومند، برزمند، کمر بر میان بسته، راست بالا، آزاده، نژاده، بزرگوار که جامه-ی زرین گرانبهای پرچینی دربر دارد، پدیدار می-شود.

127

براستی آردویسور آناهیتای بزرگوار، همان-گونه که شیوه-ی اوست، برسم بر دست گرفته، گوشواره-های زرین چهارگوشه-ای از گوش-ها آویخته و گردن-بندی بر گردن نازنین خویش بسته، نمایان می-شود. او کمر بر میان بسته است تا پستان-هایش زیباتر بنماید و دلنشین-تر شود.

128

بر فراز سر آردویسور آناهیتا تاجی آراسته با یکصد ستاره جای دارد؛ تاج زرین هشت گوشه-ای که بسان چرخ ساخته شده و با نوارها زیور یافته؛ تاج زیبای خوش ساختی که چنبری از آن پیش آمده است.

129

آردویسور آناهیتا جامه-ای از پوست ببر پوشیده است؛ از پوست سیصد ماده ببر که هریک چهاریچه زاید؛ از آن روی که ببر ماده، زیباترین جانوری است که مویی انبوه دارد.  
ببر جانوری آبری است که اگر پوستش به هنگام آماده شود، همچون سیم و زر بسیار درخشان به چشم می-آید. (6)

130

ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
اینک خواستار این کامیابی-ام که بسیار ارجمند باشم و به شهرپاری بزرگی برسم که در آن خوراک بسیار آماده شود و گردونه-ها بخروشند و آوای تازیانه-ها در هوا پیچد؛ که در آن خوراک و توشه فراوان انباشته باشد؛ که در آن خوشبوها فراوان باشد؛ که انبارهایش از هرآنچه مردمان آرزو کنند و زندگی خوش را به کار آید؛ پر باشد.

131

ای آردویسور آناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین!  
اینک خواستار دو چالاکم: چالاکِ دوپا و چالاکِ چهارپا. (7)  
چالاک دوپا برای آنکه در جنگ چست باشد و در رزم گردونه را به خوبی براند. چالاک چهارپا برای آنکه هرسوی سنگر فراخ سپاه دشمن را برهم زند؛ از چپ به راست و از راست به چپ.

132

ای آردویسور آناهیتا!  
از پی این ستایش، از پی این نیایش، از پی آنچه ترا نیاز آورند، از فراز ستارگان به سوی زمین اهوره آفریده، به سوی زور نیاز کننده، به سوی پیشکش سرشار بشتاب.  
به یاری خواستاری بشتاب که ترا فراخواند تا تو رهایی-اش بخشی.  
به یاری کسی بشتاب که ترا زور آورد و به آیین پیشکش کند تا همه-ی دلاوران همچو کی گشتاسپ به خانمان بازگردند.  
او را - آن آردویسور آناهیتای اشون را - برای فر و فروغش با نماز [ی به بانگ] بلند، با نماز نیک گزارده و با زور می-ستاییم.  
ای آردویسور آناهیتا!  
بشود که تو از پی دادخواهی، [ ما را ] به فریاد رسی!  
اینچنین تو بهتر ستوده خواهی شد با هوم با آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و «منتره»، با اندیشه و گفتار و کردار [ نیک ]، با زور و با سخن رسا.  
«ینگه هاتم»...

«بته اهوویربو»...  
 به آب-های نیک مزدا آفریده و به آردویسور آناهیتای آشون درود می-فرستم.  
 «آشیم وهو»...  
 «آهمایی رُشچَه...»(8)

پانوشت ها:

1. آردوی

2. در سه مورد همانند (تیر، بند 59 و بهرام، بندهای 52 - 51 و ار، بند 54) به جای «زن» به طور کلی، «جهی» آمده که به معنی زن روسپی و بدکاره است. احتمال دارد که در این مورد نیز در اصل چنین بوده و بعدها دگرگون شده باشد.

3. شخص جزامی که باید جدا و دور از دیگران نگاه داشته شود.

4. سنج، وند، فر، 2، بند 29.

5. پیوند دو بخش این عبارت نا روشن است. در گزارش پورداوود آمده است :  
 «قطرات باران و دانه-های برف و تگرگ مقصود می-باشد.» اما معلوم نیست که شماره-ی هزار و نهصد اشاره به چیست ؟

6. گمان می-رود که از جمله-ی دوم (از پوست سبید ماده بَیر... ) تا پایان این بند، افزوده-ی گزارش-ها باشد برای روشننگری درباره-ی جمله-ی نخست، بَیر (در اوستا «بوری») جانوری آبی است همانند گربه-ی دشتی که آن را «ویر» هم می-خوانند.

7. پسری و اسبی

8. = 68، بند 11.